



یادداشت

یادداشتی روی مجموعه شعر «زیبایی‌ات غمگینم می‌کند»

شعرهای گوتیک‌وار



مجتبی ویسی

مترجم و منتقد

هر متن ادبی دارای نشانه‌ها و خصوصياتی است که آن را از متون دیگر جدا می‌کند؛ نشانه‌ها و ویژگی‌هایی که می‌تواند ردپا و اثر دست صاحب‌اثر را مشخص کند. اما در عمل کار به این سادگی‌ها هم نیست.

به همین دلیل است که خوانش‌ها و تفسیرها و تاولی‌های گوناگونی وجود دارند. هرکسی با توجه به ساختار ذهنش خوانش‌های متفاوتی از متون دارد. بنابراین می‌توان گفت خوانشی قطعی وجود ندارد. من با همین رویکرد کارم را در مورد کتاب «زیبایی‌ات غمگینم می‌کند» پیش می‌برم.

کار من در دو بخش تقسیم می‌شود: اول به لحاظ محتوایی و مضمونی، سعی می‌کنم وارد جهان ذهنی راوی شعرها بشوم. در مرحله بعد سعی می‌کنم به گوشه‌هایی از کارکردهای نوشتاری و مشخصه‌های متنی این مجموعه شعر رجوع کنم.

کتاب «زیبایی‌ات غمگینم می‌کند» حاوی چهار دفتر است که به‌طور خیلی فشرده می‌توان گفت شاعر در دفتر اول «ردپای گریه‌ای حامله» در برف» که بزرگ‌ترین دفتر کتاب است، به مساله «فقدان» پرداخته است. در دفتر دوم «برف شد، روی دریا نشست»، «فقدان» به‌علاوه «تنهایی». در دفتر سوم «پرچم ما ابر بود» جنگ با همان تم «فقدان» و در دفتر چهارم «پرده‌ها مجسمه‌ی بادند» مضامینی پراکنده با تم «فقدان». به‌زعم من روایت غالب و کلان در این مجموعه بحث فقدان دیگری است. خلأ وجود دیگری و همان مخاطب و مدلول استعلایی است که با رفتنش به اندوه و انزوا و خیال و خواب دامن زده است و به عالم خیال و خواب پناه برده است. شعر «اربرت دسنوس» که شاعر در ابتدای کتابش آورده، انتخابی دقیق است:

آن‌قدر خوابت را دیده‌ام/که دیگر واقعی نیستی

این دو سطر به خوبی گویای فضای ذهنی شاعر و فضای خود شعرهاست و بر «فقدان» و «امر دست‌نیافتنی» تاکید می‌کند؛ بر خواب و خیال و متفک‌شدن از عالم واقع و رفتن به قلمروی انتزاع. درواقع خود شاعر نیز در شعرهایش همین کار را انجام می‌دهد، چون در عالم واقع امکان دسترسی وجود ندارد پس سوژه موردنظر را به عالم خواب و خیالش می‌برد. اما این تمام قضیه نیست. سطرهای دسنوس در عین حال یادآور نوعی فاصله‌گرفتن و تقابل است. انگار به عمد به حیطه خواب و خیال پناه می‌برد تا در دنیای واقعی حضور نداشته باشد. به نوعی لج‌کردن با جهان و ابراز اینکه بگوید واقعیت تو در مقابل دنیای مجازی و خیالی من ذره‌ای ارزش ندارد. در عالم خواب ممکن است اشیا و پدیده‌ارها نمود دیگری به خود بگیرند. روابط و مناسبات میان پدیده‌ها از روال عادی خارج شده و شکل و صورتی دیگر به خود بگیرند. از طرفی آن خلأ و فقدان و دوری از خودآرمانی سبب بروز تصاویر عجیب و غریبی می‌شوند. مثلا:

فکری که به خواب می‌بری / از وهم من خبر دارد...

یا: یک آجر بردار از من / یکی کم کن از جنازه‌های شهر...

شاید به همین دلیل است که شعرهای این کتاب شمایی گوتیک‌وار دارند. در این دنیای برساخته شاعر «حسرت» او را به کنج خلوت کشانده است؛ به عالم اوهامی سیاه و تاریک و دیدن تصاویری غریب از پدیده‌های سسرد و بی‌جان. بی‌جهت نیست حضور این همه برف، گورستان، زمستان، دریا، غرق‌شدن، سقوط و مرگ در شعرهای بهزاد عبدی. اگر اشیا و پدیده‌ها در این شعرها حضور و نمودی بارز دارند برای تاکید انزوا هستند؛ تاکید بر دوری راوی شعرها از جمع انسان‌ها و پناه‌بردنش به اشیای بی‌جان.

محور کار بهزاد عبدی براساس تصویرپردازی است. این تمهید و شگرذ در سرتاسر شعرهای کتاب نمودی بارز دارند. شاعر مدام فکر‌ها و خیال‌هایش را با تصویر به نمایش می‌گذارد؛ تصویرهایی عینی براساس پدیده‌های عینی با بهره‌گیری از اشیا و پدیده‌هایی متناسب با جهان ذهنی‌اش، با معماری ذهنی‌اش. به این تصاویر توجه کنید: دریا آمده بود / ما را از این جا ببرد / دریا که می‌خواست ما را نجات دهد / در خودش غرق شد / و غرق شد

یا: دریا در ماهی کوچکش غرق شده...

یا: دریای پشت دیوار‌ها را / آرام می‌کنم...

یا: ما با خانه‌ها به دریای سرخ رسیدیم / تو از زیرآب‌ها نگاهم کردی / تو از زیرآب‌ها برایم دست تکان دادی ...

در برخورد با پدیده‌های دیگر نیز کمابیش همین اتفاق می‌افتد. این تصویرپردازی‌ها به شکل‌های گوناگونی اجرا می‌شوند و مکانیسم‌های متنوعی دارند.

مثلا: خبرهای رفتنش / برف شد، روی دریا نشست...

یا: درسکوت خیره مانده‌ایم / کمی آن طرف‌تر / قبرستان با هزار دهان کوچک / به ما لبخند می‌زند...

یا: با این فکرهای متلاطم / در من نهنگ‌های زیادی / سرگیجه دارند...

یا: از یاد رفته‌ام / مثل جمعیتی / جا مانده از قطار...

یا: آسمان را هاشور زده‌اند / پررنده‌هایی که با قفس‌های‌شان / کوچ می‌کنند

یا: یلوانی شکسته در گلو دارم...

مکانیسم شعرهای این مجموعه بر این است که مدام در آنها امر جانشینی اتفاق می‌افتد: جانشینی در سطوح مختلف. جانشین‌شدن امور ذهنی با عینی یا بالعکس. جانشینی اژه با اژه مثلا: چشم‌هایت:کلاغ‌های وحشی در روشنی صبح / لب‌هایت: ماهیانی در تلاطم تورها...

و تفاوت شعر بهزاد عبدی با شاعران دیگر در این است که پدیده‌های بعید را پرورش و در امر استعاره‌سازی شعر خود شرکت می‌دهد و با بهره‌جویی از صنعت تشخیص به اشیا و پدیده‌ها رفتارهای انسانی می‌بخشد و شعرهایش همواره متکی بر تصویر و استعاره است. از تکنیک‌های توصیفات معکوس استفاده می‌کند (حالا هرچه می‌شویم / پاک نمی‌شود اندامش / از حافظه‌ی دست‌هام) همان‌طور که می‌بینیم در این سطر‌ها فرآیند طبیعی رابطه دست و اندام معکوس شده و «دست» جای انسانی قرار گرفته که حافظه دارد و فراموش نمی‌کند. یا از تشبیهات بعید استفاده می‌کند. مثلا: تنها شده‌ام / مثل ردپای گریه‌ای حامله / در برف. در این سطر «ردپا» تاکید بر تنهایی دارد و «گریه‌ای حامله» موجودی تنه‌است و «برف» که زمستان را به خاطر می‌آورد و تکمیل‌کننده مضمون تنهایی.

تصویرپردازی‌هایش در دیدگاه رایج نامتعارف است اما در نگاه و دیدگاه خود راوی رایج است. و با توجه به چارچوب ذهنی‌اش مدام مضامینش را با تصویرهایش اجرا می‌کند. شاعر با در ذهن‌بودگی و در خودبودگی تمام اشیا و پدیده‌های طبیعی و مصنوعی را به شعرش احضار می‌کند و با شکل نشانه‌گذاری در جهت هدف و مضمون خاص خود از آن بهره می‌برد.

اسپایک لی هم وارد فضای سیاست شد

#

گروه ادب و هنر، اسپایک لی، کارگردان سیاه‌پوست آمریکایی که به‌شدت منتقد دولت و فضای نژادپرستانه امریکاست، در آخرین گفت‌وگوی خود در جشنواره فیلم برلین به‌شدت به نامزدهای حزب جمهوریخواه آمریکا حمله کرد و گفت: «به برنی سندرز نامزد چپ‌گرای حزب دموکرات و مخالف سیاست‌های جنگ‌طلبان رای خواهم داد، زیرا می‌ترسم اگر دونالد ترامپ دستش به «فوتبال هسته‌ای» برسد با آن کارهای خطرناکی بکند.» فوتبال هسته‌ای را به کیفی می‌گویند که همیشه فردی آن را در کنار ریاست‌جمهوری آمریکا حمل می‌کند و در آن فرمان‌های جنگی و حمله به دیگر کشورها وجود دارد.

گربه‌های ایرانی بر دیوارهای خانه هنرمندان

«جشن تصویر سال» ۱۳ ساله شد

گروه ادب و هنر، سیف‌الله صمدیان دبیر «جشن تصویر سال» چهارشنبه ۲۸بهمن در تالار استاد امیرخانی‌خانه‌هنرمندانبرنامه‌های سیزدهمین دوره این رویداد هنری را با اهالی رسانه درمیان گذاشت. امسال نیز مانند دوره‌های قبلی جشن تصویر سال در دو بخش نمایشگاهی و جشنواره فیلم تصویر برگزار می‌شود. بخش نمایشگاهی شامل نمایش آثار برگزیده عکاسی در پنج شاخه، گرافیک در شاخه پوستر و کاریکاتور هم کارتون‌های مطبوعاتی و هم کارتون‌های نمایشگاهی است. بخش دیگر به‌نوعی جشنواره جشنواره‌ها در حوزه فیلم است و فیلم‌های برگزیده جشنواره‌های سینماحقیقت، فیلم کوتاه تهران، جشن خانه سینما، بخش هنر و تجربه و مسندت جشنواره فیلم فجر و...

در این بخش به نمایش درمی‌آید.

فیلم‌های جشن تصویر در سالن استاد شهناز و فیلم‌های جشنواره جشنواره‌ها در دو سالن ۱۶



و ۱۸ در سالن استاد ناصری به نمایش درمی‌آید. بخش فیلم‌های جشن تصویر دو بخش دارد که شامل آثار فیلمسازان زیر ۲۵ سال و فیلمسازان آزاد می‌شود.

بخش زیر ۲۵ساله‌ها در یک روز و در نمایشی ویژه پخش می‌شود و در حضور داوران حرفه‌ای سینمای ایران، جوانان فیلمسازی آیند خودشان را معرفی می‌کنند و به صورت خلاصه درباره ایده

جشنواره موسیقی فجر به روزهای پایانی نزدیک می‌شود

نقاره قبل از موسیقی پاپ



تکنوازی و دونوازی خاصی از این دو هنرمند نخبه انتظار می‌رفت اما حضاران تنها اجرای منسجم و باکیفیتی را شاهد بودند و از آن اجراهایی که روح هر شنونده‌ای را در آسمان به پرواز درمی‌آورد، خبری نبود. حضاران درنهایت ادب و احترام تنها گوش سپرده بودند و آنقدر با این نوع موسیقی آشنا بودند که بدانند تنها باید شنید و با تشویق‌های گاه و بی‌گاه خود لذت شنیدن را از بین ببرند.

لذت شنیدن را از بین ببرند. در این میانه اما همراهی نقاره به علت ژانر صوتی‌ای که دارد، تناسب و رنگ صوتی سازها نداشت و نامازگار می‌نمود؛ خصوصا در بخشی که به دونوازی نقاره و تنبک اختصاص داشت، حرکات پراغراق نوازنده بهه فضای موسیقی ردیف-دستگاهی تعلق نداشت و لبریز شود. هرچند اجرای قطعات

موسیقی فجر در تالار وحدت، اردشیر کامکار و بهداد بابایی روی سن رفتند. این دو نوازنده سرشناس کمانچه و سه‌تار را کامبیز گنج‌های با تنبک و نوید اسداللهی با نقاره همراهی می‌کردند. این اجرا برای مخاطبان موسیقی سازی که تنها علاقه‌مند

شنیدن ساز هستند با استقبال خوبی مواجه شده بود. تمامی کسانی‌که به سالن آمده بودند علاقه‌مند شنیدن نت‌های موسیقی ایرانی بودند که در سکوت کامل با جان و دل آن را پذیرا شدند، چراکه نوای کمانچه اردشیر کامکار و بهاده‌نوازی‌های او به همراه ظرافت‌های نوازندگی بهداد بابایی در سه‌تار، هر ناآشنایی را سر وجد و شوق می‌آورد تا تنها موسیقی بشنود و لبریز شود. هرچند اجرای قطعات

گلناز قدیری از نقاشی‌های آبستره انتزاعی‌اش می‌گوید

درک تازه‌ای باید

بسیار درگیر بودام که همه ما به شکلی زندگی می‌کنیم که گویی هرکدام چند بار زندگی کرده‌ایم؛ مثلا در شاخه‌های مختلف کار می‌کنیم و چند تکه هستیم. این موضوع مرا درگیر کرده بود و جایی متوجه شدم فرم تابلوی چند لت می‌تواند به نوعی بیان این چندتکه بودن و چنددوره بودن ما باشد». فرمی موج و خاص در تمامی دوره‌های کاری قدیری در میانه بوم خودنمایی می‌کند. شاید این فرم در زمان‌هایی کم‌رنگ و پررنگ شده؛ ولی حذف نشده است.

گاهی در پس‌زمینه تیره کمتر جلوه گری کرده و زمانی هنرمند جولانگاه بیشتری به آن داده و در زمینه سفید قدرت بروز یافته است. وی با بیان اینکه همیشه این چندتکه تعبیر از کار من می‌شود، افزود: «همیشه مخاطبان به من می‌گویند کارهای تو اشکالی موج و در حال حرکت دارد که گویی از طبیعت گرفته شده که خودم نیز آن را بسیار دوست دارم. دست و حرکت قلم من اکسیرسود و تند است که به تبع این فرم را می‌سازد. در کارهای من بافت و حرکت به‌عنوان دو عنصر اصلی وجود دارند.»

ادب وهنر



www.FarhEEKhtegan.ir

Thu | 18 Feb 2016 | vol.07 | No. 1885

پنجشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۴ ۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۷ ۱۸ فوریه ۲۰۱۶ شماره ۱۸۸۵

سینمای جهان

کارگردان کیمیا

سریال ماه رمضان می‌سازد



گروه ادب و هنر، جواد افشار که به تازگی از او بخش سریال پرخاشیه «کیمیا» به اتمام رسیده است در حال تصویربرداری جدیدترین سریال خود با نام «خوشه‌های رنج» است. او که سابقه ساخت سریال ماه رمضان را در سال ۹۲ با نام « مادرانه» دارد، درصدد است سریال «خوشه‌های رنج» را برای ماه رمضان سال ۹۵ بسازد. افشار بعد از ساخت بلندترین سریال تلویزیونی «کیمیا» تازه‌ترین سریال خود را در ۳۰ قسمت برای شبکه دوم سیما آماده می‌کند. این کارگردان که تجربه چندین ساله ساخت سریال‌های تلویزیونی را با محورهای مختلف دارد این بار سراغ یک ملودرام خانوادگی با محوریت سبک زندگی اسلامی و توجه به تولیدات داخلی رفته است. حال باید دید افشار این سریال سفارشی را با بازی حسن پورشیرازی، پوریا پورسرخ، سوگل طهماسبی و رضا توکلی که قبلا هم در سریال کیمیا با او همکاری داشته‌اند، چطور می‌سازد و آیا دوباره مورد هجمه تماشاگران قرار می‌گیرد یا نه و آیا این بازیگران هنوز در همان نقش‌شان مانده‌اند یا اینکه بازی دیگری از خود به نمایش می‌گذارند. البته کامبیز دبیراز، سهیلا رضوی و لیلا اوتادی از دیگر بازیگرانی هستند که در این سریال حضور دارند. «خوشه‌های رنج» در حوالی شهرک چشمه در تهران تصویربرداری می‌شود و در ادامه گروه به شمال کشور می‌روند.

سینما

مایکل مور به برلین نرفت

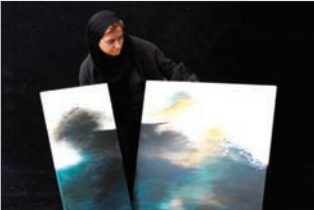


گروه ادب و هنر، مایکل مور، کارگردان مستندساز منتقد دولت آمریکا که سال‌هاست به سیستم سرمایه‌داری در این کشور اعتراض می‌کند به جشنواره فیلم برلین نرفت. همچنین او بخش فیلم آخر خود را کنسل کرد. اسم فیلم او «جای حمله بعدی کجاست» است و در بیانیه‌ای از تماشاگران خود درخواست حمایت از فیلم خود کرد. فیلم مشهور او «فازنهایت ۱۱/۹» بود که اسکار برترین مستند را گرفت و نام این کارگردان منتقد را بر سر زبان‌ها انداخت. علت این غیبت را مایکل مور بیماری خود عنوان کرده و از مدیران این جشنواره هم پوزش خواسته است. البته اسکرین‌دیلی در گزارشی از این اتفاق گفته است که این فیلم طبق برنامه از پیش تعیین‌شده در جشنواره اکران خواهد شد و فقط کارگردان این فیلم غایب خواهد بود.

مایکل مور مدتی است به نقد نیروهای نظامی و جنگ‌افروزی آمریکا مشغول است و فیلم‌های مستندی که تولید می‌کند همین موضوع را نشان رفته است و توانسته جایگاه خوبی برای خود در میان مستندسازان دنیا دست دربار کارهایی که این جهت‌دهی نیز در مورد آنها وجود نداشته است ناخودآگاه به سمت طبیعت رفته‌ام. او در این باره اضافه کرد: «همیشه به طبیعت توجه داشتم. گاه کارها را به سمت طبیعت هل دادم، اما درباره کارهایی که این جهت‌دهی نیز در صورت آنها وجود نداشته است ناخودآگاه به طبیعت رفته‌ام. با این حال هیچ وقت نخواستم جهت‌گیری خاصی داشته باشم، اما همیشه در کارهایم به این موارد اشاره کرده‌ام. من بین نمایشگاه قبلی و این نمایشگاه، یک دوره کاری دارم که نقاشی‌هایم از آبستره خارج شده و بسیار به طبیعت نزدیک شده‌اند؛ اما جذابیت آبستره مرا دوباره به سمت خود جلب کرد.»

دوره جشنواره موسیقی فجر، سیروان خسروی در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی دوبار روی صحنه رفت. او در دو سانس کنسرتی که در سی‌ویکمین دوره جشنواره موسیقی فجر داشت از خوانندگان پرکار پاپ این دوره محسوب می‌شود که با جشنواره همکاری کرده است. سیروان خسروی در ابتدا قرار بود در این دوره از جشنواره تنها یک اجرا داشته باشد اما بعد از تغییرات چندباره جدول جشنواره برای این خواننده دو برنامه اختصاص یافت. این خواننده پاپ هفته گذشته نسبت به رفتار صورت‌گرفته با عملکرد سالار عقیل‌ی معترض بود و از رفتارهای دوگانه کله کرده بود. شب گذشته او روی سن اعلام کرد سرماخورده است و اگر کیفیت اجرایش مشکلی دارد به دلیل سرماخوردگی است اما این مساله آنچنان تأثیری در اجرای او نداشت و آنان‌که پیش‌تر کنسرت‌های او را رفته‌اند، این گفته را تأیید می‌کردند که کیفیت کنسرت‌های او معمولا یکسان است. با این همه دو کنسرت سیروان به اجرای قطعات جدید اختصاص نداشت و او آهنگ‌های قبلی خود را اجرا کرد؛ اجراهایی که همیشه می‌تواند انجام شود و به نوعی می‌توان گفت برای جشنواره برنامه خاصی رقم زده بودند. طی ۶۵ سالی که از عمر حضور موسیقی پاپ در جشنواره می‌گذرد این سوال همواره مطرح بوده که چرا دست‌اندرکاران جشنواره برای بخش پاپ هیچ تمهیدی ننندیشیده‌اند تا این بخش اجراهای با کیفیت‌تر را رقم بزنند، چراکه به تأیید تمام مخاطبان پاپ، بی‌کیفیت‌ترین اجراهای جشنواره فجر انجام می‌شود و همین بی‌توجهی به این بخش و اتقا ندادن آن به این مساله دامن می‌زند که عوامل برگزاری جشنواره همواره به بخش پاپ به‌عنوان منبع درآمد و بالابرنده آمار سالن‌ها نگاه می‌کنند.

تجسمی



قدیری با اشاره به اینکه در یک اثر انتزاعی آنچه روی بوم می‌آید مستقیم از صافی وجود هنرمند گذشته است، گفت: «در نمایشگاه جدید من نوعی رهایی وجود دارد، که منتهی به شناخت است. برای اینکه بخوامی به درک از چیزی برسی باید از خیلی قید و بندها آزاد شوی. اولین بار است که برای نمایشگاهم اسم می‌گذارم، اما این بار این حسن چنان بر من غالب شد که فکر کردم باید یک‌سر این کلاف را خودم به دست مخاطب بپیارم.» از عناصر مهم آثار آبستره انتزاعی دریافت خاستگاهی از طبیعت است که هنرمند در این آثار نیز به نوعی نماهایی از طبیعت را درون تابلوهایش نهفته است. قدیری که از کودکی شقیقه طبیعت بوده و از هر